

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

Application of Incarceration Under Electronic Monitoring for Convicts Instead of Traditional Imprisonment

1. Masoud Asgari Niasar: Department of Law, Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates
2. Mahmoud Habibi Tabar*: Department of Law, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran. Email: m.habibitabar@gmail.com (Corresponding Author)
3. Sadegh Moradi: Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

ABSTRACT

Incarceration under electronic monitoring has been recognized as an alternative method to conventional imprisonment in various judicial systems and offers numerous advantages for convicts, their families, and society at large. Currently, in many countries, including Iran, this form of supervision is predominantly applied to individuals who, after entering prison and serving part of their sentence, become eligible for this system. This study aims to investigate the application of electronic monitoring for convicts without the requirement of initial physical imprisonment, examining the benefits and challenges of this approach. The findings of this research, conducted using a descriptive–analytical method, indicate that this form of supervision can reduce the negative impacts of prison entry, including stigmatization and reinforcement of criminal identity, while also contributing to the improvement of the rehabilitation process. The use of electronic monitoring systems can help maintain the convict’s social and familial ties, reduce the risk of recidivism, and encourage successful reintegration into society. From an economic standpoint, this method lowers the costs associated with inmate maintenance and enhances the efficiency of public financial resources. The results of this study underscore that allocating electronic monitoring to convicts from the outset of sentencing can promote criminal justice, relieve pressure on prisons, and improve the overall efficiency of the judicial system. It is recommended that policymakers pay greater attention to implementing this method and facilitating its legal conditions.

Keywords: *incarceration, electronic monitoring, judicial practice, convicts, inmates.*

How to cite: Asgari Niasar, M., Habibi Tabar, M., & Moradi, S. (2025). Application of Incarceration Under Electronic Monitoring for Convicts Instead of Traditional Imprisonment. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(4), 1-17.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 01 October 2024
Revise Date: 21 November 2024
Accept Date: 19 December 2024
Publish Date: 23 December 2025



پژوهش‌ها و تطبیق فقه،

حقوق و سیاست

کاربست حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیک برای محکومین به جای محبوسین کیفری

۱. مسعود عسگری نیاسر: گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی
۲. محمود حبیبی تبار*: گروه حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران. پست الکترونیک: m.habibitabar@gmail.com (نویسنده مسئول)
۳. صادق مرادی: گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی به‌عنوان یک روش جایگزین برای زندان سنتی در نظام‌های قضایی مختلف شناخته شده و مزایای متعددی برای محکومان، خانواده‌ها و جامعه به همراه دارد. در حال حاضر، در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، این نوع نظارت بیشتر برای افرادی اعمال می‌شود که پس از ورود به زندان و گذراندن بخشی از محکومیت خود، واجد شرایط استفاده از این سیستم شناخته می‌شوند. این پژوهش با هدف واکاوی کاربری حبس تحت نظارت الکترونیکی به محکومان، بدون نیاز به حضور اولیه در زندان، به بررسی مزایا و چالش‌های این رویکرد پرداخته است. یافته‌های این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است، نشان می‌دهد که این نوع نظارت می‌تواند تأثیرات منفی ورود به زندان، از جمله برجسب‌زنی و تقویت هویت مجرمانه، را کاهش داده و در عین حال به بهبود فرآیند بازپروری کمک کند. استفاده از سامانه‌های الکترونیکی می‌تواند با حفظ پیوندهای اجتماعی و خانوادگی محکوم، خطر بازگشت به جرم را کاهش دهد و فرد را به بازگشت موفق‌تر به جامعه ترغیب کند. از نظر اقتصادی نیز، این روش باعث کاهش هزینه‌های نگهداری زندانیان و افزایش بهره‌وری منابع مالی دولت می‌شود. نتیجه این پژوهش تأکید دارد که اختصاص نظارت الکترونیکی به محکومان از ابتدای صدور حکم می‌تواند به ارتقای عدالت کیفری، کاهش فشار بر زندان‌ها و بهبود کارایی نظام قضایی منجر شود. پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران به اجرای این روش و تسهیل شرایط قانونی آن توجه بیشتری داشته باشند.

واژگان کلیدی: حبس، نظارت الکترونیکی، رویه قضایی، محکومین، محبوسین.

نحوه استناددهی: عسگری نیاسر، مسعود، حبیبی تبار، محمود، و مرادی، صادق. (۱۴۰۴). کاربری حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیک برای محکومین به جای محبوسین کیفری. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۴)، ۱۷-۱.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۰ مهر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۹ آذر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲ دی ۱۴۰۴



چندین دهه است که اشکال مختلف نظارت الکترونیکی در سیستم‌های عدالت کیفری بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفته است. حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی به‌عنوان یکی از ابزارهای نوین در اجرای مجازات‌ها، به‌طور فزاینده‌ای در نظام‌های کیفری سراسر جهان مورد توجه قرار گرفته است. این روش که شامل استفاده از تجهیزات الکترونیکی مانند دستبند و پابند الکترونیکی است، اهداف متعددی از جمله کاهش بار جمعیتی زندان‌ها، کاهش هزینه‌های سیستم کیفری، و بازپروری اجتماعی مجرمان را دنبال می‌کند. از منظر کارآمدی، آمارها نشان می‌دهند که استفاده از نظارت الکترونیکی توانسته است تا حد زیادی به کاهش نرخ بازگشت به جرم در میان گروه‌های خاصی از مجرمان کمک کند. این روش به محکومین این امکان را می‌دهد که دوران محکومیت خود را در خارج از محیط زندان و تحت نظارت دقیق بگذرانند. با این حال، در بسیاری از نظام‌های قضایی، از جمله در ایران، این نوع نظارت بیشتر برای محبوسین اعمال می‌شود؛ به این معنا که فرد ابتدا باید وارد زندان شود و بخشی از دوران محکومیت خود را در زندان سپری کند تا بتواند از این نوع مجازات بهره‌مند شود. این رویکرد محدودکننده نه تنها چالش‌هایی برای محکومین ایجاد می‌کند، بلکه موجب می‌شود بسیاری از مزایای بالقوه این نوع نظارت نادیده گرفته شود. ضرورت بررسی این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی می‌تواند به‌عنوان یک جایگزین مؤثر برای زندان‌های سنتی، از همان ابتدا و بدون نیاز به حضور اولیه فرد در زندان اعمال شود. با این روش، فرد محکوم می‌تواند بدون تجربه آسیب‌های روانی و اجتماعی ورود به زندان، تحت نظارت قضایی قرار گیرد و در عین حال در محیط خانواده و جامعه باقی بماند. این امر می‌تواند به بهبود فرآیند بازپروری، کاهش احتمال تکرار جرم، و حفظ پیوندهای خانوادگی و اجتماعی کمک کند. در واقع، اختصاص این نوع حبس به محکومین، بدون الزام به حضور اولیه در زندان، می‌تواند گامی مهم در جهت ارتقای عدالت کیفری و افزایش کارایی نظام قضایی باشد. پرسش پژوهش این است که آیا می‌توان حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی را به محکومین به‌عنوان جایگزینی برای زندان‌های سنتی اختصاص داد، به طوری که این نوع نظارت از ابتدای صدور حکم و بدون نیاز به حضور اولیه در زندان اجرا شود؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، چه مزایا و چالش‌هایی در اجرای این سیاست وجود دارد؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند نقش مهمی در شکل‌دهی به سیاست‌های کیفری نوین و اصلاح شیوه‌های موجود داشته باشد و به مسئولان قضایی کمک کند تا بهترین راهکارها برای استفاده بهینه از این نهاد قانونی را بیابند. در این پژوهش تلاش خواهد شد با بررسی مبانی نظری (از جمله نظریه برجسب‌زنی) و تجارب بین‌المللی و همچنین آخرین رویکردها در رویه قضایی ایران به مزایا و معایب این تغییر رویکرد پرداخته و مشخص شود که چگونه می‌توان از سامانه‌های نظارت الکترونیکی برای محکومین استفاده کرد تا فرآیند مجازات با اثربخشی و عدالت بیشتری همراه باشد.

۱- مفهوم حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیک

مفهوم دقیق «نظارت الکترونیکی» به معنای قرار دادن فرد تحت مراقبت الکترونیکی در محل سکونت یا محدوده مشخص است که اجرای آن از طریق ابزارهای الکترونیکی کنترل می‌شود. این روش که با عنوان **Electronic Tagging** نیز شناخته می‌شود (**Najafi Abrandabadi, 2016**)، ترجمه اصطلاح **Electronic Monitoring** است که به زبان فرانسه با عنوان **Surveillance electronique** وارد شده و در سیستم حقوقی کشورهای آنگلوساکسون به کار می‌رود. این واژه معادل «دست‌بند الکترونیکی» بوده و در فرانسه نیز به همین مفهوم استفاده می‌شود. در حقوق کیفری ایران، حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی روشی برای اجرای قرار تأمین التزام به حضور و نوعی اجرای مجازات حبس محسوب می‌شود. قرار تأمین به تصمیمی قضایی اشاره دارد که مقام قضایی در مراحل تحقیقات مقدماتی یا در طول دادرسی

اتخاذ می‌کند و این تصمیم می‌تواند شخص متهم یا افراد دیگر را تحت‌الشعاع قرار دهد. این نوع حبس به‌عنوان روشی نوظهور در برخی کشورهای اروپایی و آمریکایی شناخته می‌شود. هدف نظارت الکترونیک، ایجاد یک رویه جدید برای محدود کردن و کنترل بزهکاران است و به‌ویژه در موارد خشونت خانگی کاربرد دارد. این روش امکان ترکیب شرایط «محدودیت رفت‌وآمد» با محکومیت‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد و به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد تا نظارت الکترونیک را با رعایت شرایط خاص صادر کنند. این برنامه، زمینه اجرای نظارت مناسب در دوران آزادی زندانیان را فراهم کرده و نحوه عملکرد محکومان تحت این برنامه را مورد بررسی قرار می‌دهد (Salehi et al., 2017). نظارت الکترونیک دارای اهمیت دوسویه است و نمی‌توان آن را تنها دارای ویژگی سرکوبگرانه یا صرفاً اصلاحی دانست؛ بلکه هر دو جنبه در آن موجود است. در قوانین ایران تعریف روشنی از نظارت الکترونیک ارائه نشده است. تنها تعریف ارائه شده به این صورت آمده است: «شیوه‌ای است که اجازه می‌دهد حضور و غیاب متهم از راه فقط در محدوده مکانی که توسط مرجع صادرکننده قرار تعیین می‌شود، در مدت دور معین توسط ابزار الکترونیک که به این منظور ایجاد شده مورد کنترل قرار گیرد»^۱. هریک از پژوهشگران حقوقی نیز به فراخور موقعیت مورد نیاز خود، این نهاد نوین را به شکلی تعریف کرده‌اند که در ادامه مهم‌ترین آن‌ها ارائه خواهد شد:

نظارت الکترونیک تدبیری نسبتاً جدید برای رعایت قواعد حبس خانگی است. به منظور نظارت بر رفت و آمد مجرم، مچ بندی به پای وی بسته می‌شود که به رایانه‌ای در مرکز مراقبتی زندان وصل است و علامت‌هایی را برای آن می‌فرستد. البته غرض از اعمال نظارت الکترونیک گوناگون است. در برخی از موارد برای کاهش هزینه زندان و در برخی از موارد برای کاهش احتمال تکرار جرم استفاده می‌شود (Ashouri, 2019). منظور از نظارت الکترونیک تحت مراقبت قرار دادن شخص در محل سکونت یا محل‌های خاص است که در حکم دادگاه مشخص می‌شود. در واقع نوعی بازداشت در محل سکونت یا محل‌های خاص است که از طریق الکترونیک بر اجرای آن نظارت می‌شود. در عمل دستبند یا پابندی شبیه ساعت که دارای فرستنده است به مچ دست یا قوزک پای فرد بازداشت شده می‌بندند و به این وسیله، مرکز کنترل آگاهی پیدا می‌کند که آیا شخص تحت مراقبت در ساعاتی که قاضی تعیین کرده است در محل مورد نظر حضور دارد یا خیر؟ (Aghayi, Jannat-Makan, 2013)

نظارت الکترونیک، به افرادی که ممکن است در صورت عدم استفاده از نظارت قضایی به زندان افتاده باشند و برچسب بخورند، اجازه می‌دهد آزاد باشند و با محدودیت‌های منع رفت و آمد مواجه شوند.^۲ در قانون ایران نظارت الکترونیک تعریف نشده است و با توجه به جدید بودن این نهاد در حقوق ایران در کتب حقوقی نیز به توضیح مفهوم و محتوای آن پرداخته شده است فلذا می‌توان نظارت الکترونیک را با توجه به معنا و مفهوم آن در حقوق کیفری ایران این گونه تعریف کرد: «نظارت الکترونیک مجموعه اقداماتی است که در خصوص متهمین و محکومین به حبس پس از اخذ موافقت آنها، از سوی مقام قضایی اعمال می‌گردد و متهم یا محکوم با نظارت از طریق تجهیزات الکترونیک در خانه یا محدوده تعیین شده از سوی مقام قضایی، کنترل می‌گردد و خروج از محل تعیین شده بدون مجوز دارای ضمانت اجراست». بدیهی است متهم یا محکوم در این مدت ملزم به رعایت مقررات و انجام دستورات تعیین شده از سوی مرجع قضایی است و عدم رعایت ضوابط نظارت الکترونیک و یا ارتکاب جرم جدید ممکن است لغو نظارت الکترونیک را به دنبال داشته باشد.

^۱ تبصره ۱ ماده ۲۶ آیین‌نامه شیوه اجرای قرارهای تأمین و نظارت قضایی.

^۲ Home Detention Curfew (HDC), 2017/6/19. <https://surrey.police.uk/policies-and-procedures/electronic-monitoring-and-home-detention-curfews-procedure>

۲- پیشینه حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیک در ایران

نظارت الکترونیکی بر مجرمین در ایران دارای سابقه چندانی نیست. این نحوه از نظارت نخستین بار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نیز قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که در تاریخ ۱۳۹۴/۰۴/۰۱ لازم‌الاجرا شد، مورد قانونگذاری قرار گرفت و تا قبل از آن مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته بود. در تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۱ خبرگزاری میزان از اجرای اولین دادنامه آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی خبر داد. به گزارش این خبرگزاری با پیشنهاد دادستان نظامی چهارمحال و بختیاری جهت بهره‌مندی از نهاد آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، یکی از محکومان محاکم نظامی استان که به ۳ سال حبس محکوم شده بود پس از اخذ تأمین مناسب، با استفاده از پابند الکترونیک از زندان آزاد شد و تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی قرار گرفت. دادستان نظامی استان چهارمحال و بختیاری در این رابطه گفته است: با توجه به شرایط خاص خانوادگی و مشکلات معیشتی و بیماری همسر محکوم به حبس، بعد از درخواست وی و موافقت شورای طبقه‌بندی اداره کل زندان‌های استان، شعبه اول دادگاه نظامی استان به استناد مواد ۶۲ قانون مجازات اسلامی و ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری به آزادی وی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی در محدوده استان‌های چهارمحال و بختیاری و اصفهان، با نصب پابند الکترونیک رای داد^۱.

۳- مبانی نظری: نظریه برچسب‌زنی

بسیاری از جرم‌شناسان معتقدند که نظریه برچسب‌زنی^۲ در جرم‌شناسی به کتاب «جرم و اجتماع» اثر فرانک تاننباوم بازمی‌گردد (ویلیامز و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۱). نظریه تعامل‌گرایی (که به عنوان فرآیند برچسب‌زنی یا انگ‌زنی نیز شناخته می‌شود) اولین بار در سال ۱۹۳۸ توسط فرانک تاننباوم^۳، جرم‌شناس آمریکایی آلمانی‌تبار، در این کتاب مطرح شد. تاننباوم معتقد بود که به دلیل عدم گذشت جامعه در برابر انحرافات جزئی، نوجوانان به تدریج برچسب می‌خورند و در محیطی متفاوت از دیگران به سر می‌برند. این فرآیند باعث می‌شود که نوجوان از گروه‌های معمول فاصله بگیرد و به مرور مدرسه را ترک کرده و به گروه‌هایی بپیوندد که او را می‌پذیرند یا او به آن‌ها علاقه دارد. این تفکر در ابتدا با عنوان «برچسب‌زنی» شناخته نشد، اما در سال ۱۹۶۳ هوارد بکر، استاد دانشگاه شیکاگو، این نظریه را به‌روزرسانی کرد و آن را به‌عنوان تئوری برچسب‌زنی یا انگ‌زنی معرفی کرد. نظریه برچسب‌زنی همچنین در سال ۱۹۵۱ توسط ادوین لی مرت مورد توجه قرار گرفت. این نظریه بر این اصل استوار است که بزهکاری یک فرآیند اجتماعی است و مفهوم جرم نتیجه نگاه و عملکرد نظام عدالت کیفری است. به گفته مرت، «حفظ یک تصویر خودی غیرمجرمانه برای اغلب افراد اهمیت زیادی دارد؛ اما هنگامی که فردی دستگیر، محاکمه و محکوم می‌شود، جامعه او را به‌طور رسمی و گسترده به عنوان مجرم معرفی می‌کند.» (Najafi Abrandabadi, 2023).

نظریه برچسب‌زنی استدلال می‌کند که بدنمایی ناشی از مداخله رسمی نظام عدالت کیفری می‌تواند افراد را به سوی جرم و بزهکاری بیشتر سوق دهد. ادوین لی مرت در کتاب خود با عنوان «آسیب‌شناسی اجتماعی»، مفهوم انحراف ثانویه را مطرح کرد و توضیح داد که برخی از مجرمان به دلیل برخورد و کنترل نهادهای کیفری، دچار تشدید انحراف می‌شوند (Weld et al., 2018). این برخوردها موجب می‌شود که نقش انحراف یا جرم در این افراد تثبیت شود. او با این استدلال، زمینه بروز نظریه تعامل‌گرایی یا برچسب‌زنی را فراهم کرد.

اصطلاح «نظریه برچسب‌زنی» اغلب به جای یا همراه با «تعامل‌گرایی» استفاده می‌شود، چرا که تمرکز اصلی نظریه تعامل‌گرایی بر تحلیل فرآیند برچسب‌زنی رسمی و غیررسمی به افراد و اعمال و تأثیرات منفی آن در ایجاد و تکرار جرم است. استفاده از جایگزین‌های حبس و گرایش

^۱ گزارش خبرگزاری میزان به آدرس <https://www.mizanonline.com/oo2Ulo>

^۲ Labeling Theory

^۳ Frank Tannenbaum

به فرآیندها و پاسخ‌های ترمیمی در سیاست جنایی معاصر، نتیجه این نظریه و الهام‌گرفته از انتقادات اساسی تعامل‌گرایان درباره پیامدهای برچسب‌زنی رسمی است. نظریه برچسب‌زنی در فضایی انتقادی نسبت به حقوق کیفری و جرم‌شناسی زمان خود شکل گرفت. این نظریه ابتدا تعریف قانونی جرم و فرآیند جرم‌انگاری را به چالش کشید و برچسب‌زنی را به عنوان عاملی در وقوع جرم معرفی کرد و از جرم‌شناسی مرسوم به دلیل تمرکز بیش از حد بر جزئیات و نادیده گرفتن نقش حقوق کیفری و نهادهای کنترل جرم در بررسی علل جرم به شدت انتقاد کرد (Shamlou & Mohtashami, 2012).

هنگامی که فردی مرتکب قانون‌شکنی می‌شود، اگر با او با تسامح برخورد شود و برچسب مجرم به او زده نشود، او نیز خود را مجرم نخواهد پنداشت. اما اگر واکنش نهادهای رسمی مانند دادگاه و پلیس یا افراد مهم در زندگی او مثل خانواده، دوستان، معلمان، و همکاران، جدی و به‌عنوان مجرم باشد، فرد به تدریج این برچسب را در هویت خود می‌پذیرد و خود را به‌عنوان مجرم تعریف می‌کند. این پذیرش باعث می‌شود که احتمال ارتکاب جرم‌های آینده بیشتر شود، زیرا فرد مطابق با تصویری که جامعه به او تحمیل کرده است، عمل می‌کند و در راستای نقش یک فرد منحرف رفتار می‌کند. اجتناب از برچسب‌زنی می‌تواند به پیشگیری از تکرار جرم کمک کند، زیرا متهم با ترس از واکنش منفی جامعه، خود را مقید به رعایت قانون نگه می‌دارد. بر اساس نظریه برچسب‌زنی، وقتی فردی به‌عنوان مجرم شناخته می‌شود، تلاش می‌کند تا رفتار خود را با این برچسب هماهنگ کند و در نتیجه، به‌راحتی به ارتکاب جرم‌های بیشتر وسوسه می‌شود (Prins, 1982).

یکی از نتایج اصلی برچسب‌زنی منفی این است که افرادی که این برچسب را دریافت می‌کنند، نه تنها بیشتر در فعالیت‌های مجرمانه درگیر می‌شوند، بلکه آرامش خود را در کنار دیگرانی می‌یابند که به همین شکل از جامعه طرد شده‌اند. این هم‌نشینی معمولاً در قالب خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه شکل می‌گیرد. فردی که برچسب مجرم خورده، خود را همان فردی می‌داند که سیستم عدالت کیفری از او ساخته است و اصلاح واقعی در این شرایط معنایی نخواهد داشت؛ چرا که او اتفاقات پیش‌آمده را بخشی از سرنوشت غیرقابل تغییر خود می‌پندارد.

۴- کاربست نظارت الکترونیکی برای محکومین

حبس سنتی، با حضور فیزیکی فرد در محیط زندان، او را به‌طور مداوم در معرض نگاه و ارزیابی دیگران به عنوان یک مجرم قرار می‌دهد. این برچسب نه تنها توسط جامعه بلکه توسط خود فرد نیز پذیرفته می‌شود و ممکن است هویت او به عنوان یک مجرم در ذهن او تقویت شود (Belur et al., 2020; Najafi Tavana & Sohrabi Esmarood, 2021). این فرآیند می‌تواند منجر به نوعی خودپذیری شود که در آن فرد رفتارهای خود را با این هویت جدید هماهنگ می‌کند و احتمال بازگشت به جرم افزایش می‌یابد. در مقابل، استفاده از حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی به فرد این امکان را می‌دهد که در محیط خارج از زندان حضور داشته باشد و کمتر در معرض برچسب مجرم قرار گیرد (Hucklesby & Holdsworth, 2016). این نوع نظارت به فرد فرصت می‌دهد تا هویت اجتماعی خود را حفظ کند و در عین حال تحت نظارت و کنترل قضایی باقی بماند. با کاهش برچسب‌زنی اجتماعی، محکوم می‌تواند به راحتی تر به جامعه بازگردد و شانس بیشتری برای بازپروری و بازگشت به زندگی عادی داشته باشد (Asgari Niaser et al., 2024). نظارت الکترونیکی با کاهش مواجهه فرد با محیط جرم‌زا و دیگر مجرمان، می‌تواند به عنوان عاملی برای جلوگیری از تقویت رفتارهای مجرمانه عمل کند. این نوع نظارت به فرد کمک می‌کند تا از وابستگی به هویت مجرمانه فاصله بگیرد و به سمت اصلاح و بازپروری حرکت کند. همچنین، این سیستم امکان ادامه فعالیت‌های اجتماعی و شغلی را برای فرد فراهم می‌کند که می‌تواند منجر به کاهش تأثیرات منفی اقتصادی و اجتماعی حبس سنتی شود.

با استفاده از نظریه برچسب‌زنی می‌توان گفت که حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، با کاهش تعاملات فرد با محیط زندان و جلوگیری از تثبیت هویت مجرمانه، می‌تواند به بازپروری موثرتر و کاهش نرخ بازگشت به جرم کمک کند (Nellis, 2014). این نوع حبس نه تنها برای حفظ نظم عمومی و تأمین امنیت مناسب است، بلکه می‌تواند راهکاری انسانی‌تر و مؤثرتر برای بازگشت محکومان به جامعه و جلوگیری از آثار منفی روانی و اجتماعی برچسب‌زنی باشد. اگر هدف سیاست‌های جنایی و کیفری کاهش تکرار جرم و اصلاح رفتار مجرمان است، باید به رویکردهایی که می‌توانند برچسب‌زنی را به حداقل برسانند، توجه شود. نظارت الکترونیکی می‌تواند راهکاری مناسب باشد که به فرد محکوم اجازه می‌دهد تا بدون تجربه زیان‌آور زندان، محکومیت خود را بگذراند. از آنجا که زندان به دلیل محیط پرخطر و آسیب‌های روانی ناشی از هم‌نشینی با دیگر مجرمان می‌تواند نقش مهمی در تغییر منفی هویت فرد داشته باشد، استفاده از نظارت الکترونیکی می‌تواند این اثرات منفی را کاهش دهد. مطالعات متعدد نشان می‌دهد که زندان به‌عنوان مکانی که افراد را از جامعه عادی جدا می‌کند (Gies et al., 2013) و به محیطی پر از تجربه‌های مجرمانه قرار می‌دهد، به جای بازپروری، می‌تواند به تشدید جرم منجر شود. از سوی دیگر، نظارت الکترونیکی با حفظ فرد در محیط اجتماعی و خانوادگی، فرصت بازپروری واقعی و بازگشت به جامعه را بدون تحمل برچسب «مجرم زندانی» فراهم می‌کند. این رویکرد نه تنها به حفظ کرامت انسانی کمک می‌کند بلکه از ایجاد هویت مجرمانه در فرد نیز جلوگیری می‌کند. مطابق نظریه برچسب‌زنی، وقتی فردی به‌عنوان مجرم در جامعه شناخته می‌شود و تجربه زندان را پشت سر می‌گذارد، به احتمال زیاد این هویت را پذیرفته و بر اساس آن رفتار می‌کند. اگر نظارت الکترونیکی از همان ابتدا، به‌محض صدور حکم، جایگزین زندان شود، می‌توان از این فرآیند جلوگیری کرد. در این روش، فرد تحت نظارت قرار می‌گیرد اما همچنان در محیط اجتماعی خود باقی می‌ماند، که این امر به کاهش احتمال شکل‌گیری و تثبیت هویت مجرمانه کمک می‌کند.

با حفظ فرد در جامعه و جلوگیری از جدایی او از محیط خانوادگی و اجتماعی، نظارت الکترونیکی می‌تواند از ایجاد حلقه‌های مجرمانه جدید و ارتباط با مجرمان حرفه‌ای در زندان جلوگیری کند. این رویکرد همچنین به فرد این فرصت را می‌دهد که به فعالیت‌های روزمره خود ادامه دهد و در ارتباط با جامعه باقی بماند، که این امر احتمال بازگشت او به زندگی عادی و پیشگیری از تکرار جرم را افزایش می‌دهد. با توجه به نظریه برچسب‌زنی و تأثیرات مخربی که برچسب مجرم بودن و تجربه زندان می‌تواند بر هویت و رفتار فرد داشته باشد، پیشنهاد می‌شود که نظارت الکترونیکی به‌جای اینکه تنها برای کسانی که تجربه زندان را دارند اعمال شود، از همان ابتدا به‌محض صدور حکم و بدون نیاز به تجربه زندان به محکومان اختصاص داده شود. این تغییر رویکرد می‌تواند به جلوگیری از تثبیت هویت مجرمانه، کاهش تکرار جرم و افزایش بازپروری واقعی کمک کند و به فرد اجازه دهد که با حفظ ارتباط با جامعه، فرصتی بهتر برای اصلاح و بازگشت به زندگی عادی داشته باشد.

۵- نظرهای قضایی و تحلیل

در نشست قضائی برگزار شده در استان آذربایجان غربی، شهر ارومیه در ۱۱/۰۷/۱۳۹۸ این پرسش مطرح شده است که با عنایت به مواد ۶۲ قانون مجازات اسلامی و ۵۵۳ آئین دادرسی کیفری، آیا امکان ارسال پرونده از طرف اجرای احکام کیفری به محاکم در مواردی که محکوم به حبس، قبل از معرفی به زندان درخواست استفاده از پابند الکترونیکی را ارائه می‌دهد وجود دارد یا خیر؟ به عبارتی با توجه به اینکه در ماده ۵۵۳ آئین دادرسی کیفری اعلام داشته قاضی اجرای احکام پس از وصول گزارش شورای طبقه بندی، پرونده را جهت حکم در مورد پابند الکترونیکی به دادگاه ارسال می‌نماید؛ آیا این ماده مانع ارسال پرونده‌ای است که محکوم آن به زندان معرفی نشده یا با توجه به اطلاق ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی که بیان داشته دادگاه می‌تواند محکوم به حبس را با رضایت وی تحت نظارت سامانه الکترونیکی قرار دهد نباید

اختیار صدور حکم پابند الکترونیکی برای محکومین به حبس محدود به مواردی نمود که محکوم به حبس حتماً باید در زندان باشد و از طریق شورای طبقه بندی درخواست وی اعلام شود؟

در این زمینه نظر اقلیت بر این بوده است که محکوم به زندان وارد و درخواست پابند الکترونیکی پس از آن انجام گیرد. نظر اکثریت بر این بوده است که با توجه به اینکه ماده ۶۲ ق.م.ا. مصوب ۹۲ از جنبه ماهیتی برخوردار بوده و از اهداف مهم آن اصلاح پذیری محکومین و کاهش جمعیت کیفری زندانیان می باشد، در اینجا اختیار دادگاه، مطلق است. از طرفی ماده ۵۵۳ ق.آ.د.ک. ناظر به محکومانی است که رأی آن‌ها قطعی شده، لذا اجرای احکام کیفری مکلف به قبول درخواست استفاده از پابند الکترونیکی پس از معرفی محکوم علیه به زندان و وصول گزارش شورای طبقه بندی زندان می باشد. در نهایت با توجه به اینکه ماده ۶۲ ق.م.ا. و ۵۵۳ ق.آ.د.ک. از نهادهای ارفاقی بوده و بایستی به نحوی تفسیر شوند که به نفع محکوم علیه باشد، لذا در اجرای این ماده نیازی به معرفی محکوم علیه به زندان نیست و دادگاه می تواند در جرایم تعزیری درجه ۵ تا ۸ برای محکومین به حبس که هنوز به زندان معرفی نشده اند، در صورت درخواست محکوم، به استفاده از پابند الکترونیکی، حکم به استفاده از سامانه نظارت الکترونیکی صادر کند. در نهایت نظر هیات عالی بر این بوده است که بنظر می رسد ماده ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲ قابل جمع می باشد بنابراین چنانچه دادگاه حین صدور حکم نسبت به اعمال ماده ۶۲ قانون اقدام نکند، فرآیند اقدام بر اساس ماده ۵۵۳ ممکن و میسر خواهد بود.

نشست قضائی دیگری در همین زمینه در تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۰۹ در استان مازندران، شهر ساری برگزار شده است. پرسش در این نشست این بوده است که آیا مطابق ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری در صورت وجود شرایط قانونی تصمیم به استفاده از آزادی تحت سامانه‌های الکترونیکی (پابند الکترونیک) قبل از معرفی به زندان برای محکوم علیه به حبس منع قانونی دارد؟ نظر اقلیت در این نشست بر این استوار بوده است که شخص محکوم به حبس را با دلایل ابرازی ذیل می توان قبل از معرفی به زندان با رضایت وی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی قرار داد و از معرفی وی به زندان خودداری گردد. به دلایل زیر:

• الف- در ماده ۲ آئین نامه اجرائی مراقبت های الکترونیکی بیان شده افرادی که ممکن است حسب تصمیم مرجع ذی صلاح تحت مراقبت الکترونیکی قرار گیرند

۱- متهمان مشمول بند ج ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری.

۲- محکومان مشمول ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲.

۳- زندانیان تحت نظام نیمه آزادی و شاغل در مراکز حرفه آموزی و موضوعی که در آئین نامه آمده است این است که هم به متهمین می توانیم پابند بزینم و هم می توانیم به محکومین موضوع ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی و هم مواردی که مشمول ماده ۵۵۳ می شوند آراء متعدد از محکمه بدوی و تجدیدنظر صادر شده است که قبل از این که محکوم به زندان برود با رضایت محکوم در اجرای احکام کیفری تحت نظارت سامانه های الکترونیکی داخل پراتنز پابند الکترونیک قرار می گیرد.

• ب- قانون گذار در آئین نامه اجرائی مرکز مراقبت الکترونیک را بخشی از سازمان زندان ها اعلام نموده و این لزوماً بدین معنی نیست که چون متولی نصب، مراقبت و تعمیرات سازمان زندان ها است مراقبت در داخل زندان باشد.

- ج - ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی بیان می‌کند دادگاه اختیار دارد و استفاده از پابند الکترونیک از اختیارات دادگاه است و هیچ ارتباطی با زندان ندارد و استفاده از پابند الکترونیک تأسیسی است که قانون‌گذار در اختیار قاضی قرار داده است و زندان محل نظارت و اجرا است.
 - د- سیاست قانون‌گذار جهت تصویب پابند الکترونیک این است که محکومان به زندان نروند و با این نگاه تعداد زندانیان کاهش یابد در تبصره ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی واگذاری بخش فنی مراقبت الکترونیکی را به بخش خصوصی بلامانع دانسته است و این خود نشانه عدم الزام معرفی محکوم به زندان جهت نصب پابند الکترونیک می‌باشد.
- همچنین نظر اکثریت در این زمینه بدین شرح بوده است که: محکوم ابتدائاً باید جهت استفاده از پابند الکترونیک به زندان معرفی شود. با توجه به اینکه قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ تغییراتی در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ ایجاد و ۲ تبصره به ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی الحاق گردید و تبصره ۲ اشعار می‌دارد در حبس‌های تعزیری درجه ۲ و ۳ و ۴ پس از گذراندن یک‌چهارم مجازات‌های حبس استفاده از پابند الکترونیک و تحت نظارت الکترونیکی قرار گرفتن قابل اعمال است و در ماده ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری، دو شرط برای استفاده از آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی قرار داده است:

- ۱- وصول گزارش شورای طبقه‌بندی زندان.
- ۲- نظریه مددکار اجتماعی که این امر مستلزم این است که شخص محکوم به زندان معرفی و در حال تحمل حبس باشد و مطابق آیین‌نامه اجرائی مراقبت‌های الکترونیکی در بند ب اشاره داشته مرکز مراقبت الکترونیکی بخشی از سازمان زندان‌ها است و متولی آن اداره زندان می‌باشد و این امر مستلزم این است که شخص محکوم بایستی در زندان به سر برد و در ماده ۵۵۴ قانون آیین دادرسی بیان‌شده قاضی احکام کیفری پس از اخذ موافقت دادگاه با اخذ تأمین متناسب از محکوم‌له دستور اجرای تصمیم دادگاه را صادر و مراتب را به زندان اعلام می‌کند. نظام آزادی مشروط، نیمه آزادی و مراقبت‌های الکترونیک از ابزارهایی است که در زمان اجرای حکم برای کسی که محکوم حبس شده است و قانونگذار در قانون مجازات در ماده ۲۷ بیان داشته مدت حبس از روزی آغاز می‌شود که محکوم‌علیه به موجب حکم قطعی لازم‌الاجراء حبس می‌گردد و کسی که به حبس محکوم‌شده، الزاماً باید به زندان معرفی شود.

در نهایت نظر هیئت عالی در این زمینه چنین بوده است که استفاده از پابند الکترونیکی به موجب ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی، با فرض رضایت محکوم از اختیارات دادگاه است. بنابراین ضرورتی به محبوس بودن محکوم برای بهره‌مندی از این نهاد ارفاقی نیست.

نظر هیئت عالی در نشست قضایی مبنی بر اینکه استفاده از پابند الکترونیکی طبق ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی با فرض رضایت محکوم در اختیار دادگاه است و ضرورتی به محبوس بودن محکوم برای استفاده از این نهاد ارفاقی وجود ندارد، تحولی مثبت و مهم در جهت حمایت از حقوق محکوم‌علیه و بهبود عملکرد نظام قضایی به شمار می‌رود. این دیدگاه از چند جنبه قابل تحلیل است که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود:

- ۱- تطابق با نظریه برچسب‌زنی و پیشگیری از تأثیرات منفی زندان: نظریه برچسب‌زنی در جرم‌شناسی بر این باور است که وقتی فردی به‌عنوان مجرم شناخته می‌شود و برچسب رسمی از سوی جامعه و نهادهای قضایی دریافت می‌کند، هویت او به تدریج با این برچسب همخوانی پیدا می‌کند (Di Tella & Schargrodsy, 2013). این فرآیند می‌تواند به تثبیت هویت مجرمانه و افزایش

احتمال تکرار جرم منجر شود. نظر هیئت عالی مبنی بر امکان استفاده از پابند الکترونیکی قبل از ورود به زندان، به‌طور مستقیم از تأثیرات منفی برچسب‌زنی و تجربه زندان بر روی فرد جلوگیری می‌کند.

زمانی که محکوم‌علیه بدون تجربه محبوس بودن در زندان تحت نظارت الکترونیکی قرار می‌گیرد، هویت اجتماعی او کمتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد و احتمال تعریف مجدد او به عنوان مجرم کاهش می‌یابد. این امر نه تنها به کاهش فشار روانی بر فرد کمک می‌کند بلکه از ایجاد ارتباطات مجرمانه جدید در زندان جلوگیری می‌کند. در نتیجه، سیاستی که استفاده از پابند الکترونیکی را پیش از تجربه حبس فیزیکی ممکن می‌سازد، می‌تواند به بازپروری مؤثرتر و کاهش تکرار جرم کمک کند.

۲- حفظ کرامت انسانی و حقوق محکوم‌علیه: یکی از اصلی‌ترین چالش‌های نظام‌های کیفری در سراسر جهان، حفظ کرامت انسانی و احترام به حقوق محکوم‌علیه است. ورود به زندان برای بسیاری از افراد همراه با تجربه‌هایی نظیر خجالت و از دست دادن احترام اجتماعی است که می‌تواند به آسیب‌های روانی و اجتماعی طولانی‌مدت منجر شود (Finn & Muirhead-Steves, 2002). استفاده از پابند الکترونیکی به‌عنوان جایگزینی برای زندان، به محکوم اجازه می‌دهد تا به فعالیت‌های روزمره خود ادامه دهد، در محیط خانوادگی و اجتماعی خود باقی بماند و کمتر در معرض آسیب‌های روانی قرار گیرد (Rahmanian, 2011).

با توجه به مزایای حبس تحت نظارت الکترونیکی، این نوع نظارت نه تنها حقوق فرد را در چارچوب قانون حفظ می‌کند بلکه به او فرصت می‌دهد که با حفظ شأن و کرامت انسانی خود دوران محکومیت را سپری کند. این شیوه، برخلاف زندان سنتی که فرد را از جامعه جدا می‌کند، با رویکردی انسانی‌تر و اصلاحی‌تر همراه است و از تأثیرات منفی اجتماعی و فردی جلوگیری می‌کند.

۳- کاهش هزینه‌های اقتصادی و بار قضایی: استفاده از پابند الکترونیکی به جای زندان می‌تواند به کاهش هزینه‌های اقتصادی برای نظام قضایی و دولت منجر شود. هزینه نگهداری از زندانیان در زندان‌ها بسیار بالا است و با افزایش تعداد زندانیان، فشار بر بودجه عمومی بیشتر می‌شود. در مقابل، نظارت الکترونیکی به دلیل کاهش نیاز به نگهداری فیزیکی و صرف منابع مالی کمتر، یک راهکار اقتصادی‌تر به شمار می‌رود. نظر هیئت عالی که امکان استفاده از این نهاد ارفاقی را بدون نیاز به تجربه زندان تأیید کرده است، می‌تواند به کاهش بار مالی و اقتصادی نظام قضایی کمک کند.

۴- کاهش تراکم زندان‌ها و بهبود شرایط زندانیان: یکی از مشکلات عمده بسیاری از کشورها، تراکم بالای زندان‌ها و شرایط نامناسب نگهداری از زندانیان است. با افزایش تعداد زندانیان، مدیریت و نظارت بر زندان‌ها به چالش کشیده می‌شود و شرایط بهداشتی و امنیتی زندانیان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. استفاده از پابند الکترونیکی برای محکومین واجد شرایط به‌عنوان جایگزین حبس سنتی، می‌تواند به کاهش تعداد زندانیان و بهبود شرایط زندان‌ها کمک کند. این امر به نظام قضایی اجازه می‌دهد تا تمرکز بیشتری بر زندانیان با جرایم سنگین‌تر و اصلاح شرایط زندان داشته باشد.

۵- فرصت بازپروری بهتر و پیشگیری از تأثیرات منفی زندان: محکوم‌علیه که بدون ورود به زندان تحت نظارت الکترونیکی قرار می‌گیرد، شانس بیشتری برای بازگشت به زندگی عادی و فعالیت‌های اجتماعی خود دارد. این نوع نظارت به فرد اجازه می‌دهد تا ارتباط خود با جامعه و خانواده را حفظ کرده و در مسیر اصلاح رفتار و بازپروری موفق‌تر عمل کند. از آنجا که بسیاری از محکومان پس از تجربه زندان به دلیل برچسب مجرمانه‌ای که دریافت کرده‌اند دچار مشکلات در بازگشت به جامعه می‌شوند، استفاده از نظارت الکترونیکی می‌تواند از این مسئله جلوگیری کند و فرد را در مسیر بازگشت به جامعه یاری دهد.

با توجه به مزایای متعدد استفاده از نظارت الکترونیکی و تأثیرات منفی احتمالی زندان بر محکوم‌علیه، نظر هیئت عالی در خصوص استفاده از این نوع نظارت به‌عنوان جایگزین زندان، حتی پیش از ورود محکوم‌علیه به زندان، یک دیدگاه منطقی و مثبت به شمار می‌رود. این نظر نه تنها با نظریه‌های جرم‌شناسی همچون برجسب‌زنی همخوانی دارد بلکه از منظر انسانی، اقتصادی و اجتماعی نیز از مزایای قابل توجهی برخوردار است. این رویکرد می‌تواند به اصلاح واقعی محکومان، کاهش هزینه‌ها، و بهبود شرایط اجتماعی و فردی محکومان کمک کند و در نتیجه، یک گام مهم در جهت توسعه و بهبود سیاست‌های کیفری و قضایی باشد.

۶- استفاده از نظام آزادی مشروط پس از حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیک

آزادی مشروط با نظر قاضی اجرای احکام یا دادگاه صادر می‌شود. این موضوع بدین معناست که حتی اگر فرد همه شرایط فوق را داشته باشد، تصمیم نهایی به صلاح‌دید دادگاه و قاضی مربوطه خواهد بود. قاضی با در نظر گرفتن همه عوامل و شرایط، تصمیم می‌گیرد که آیا آزادی مشروط برای فرد مناسب است یا خیر. پس از صدور حکم آزادی مشروط، محکوم‌علیه باید تعهد دهد که در مدت زمان معین (معمولاً تا پایان مدت باقیمانده حبس) مقررات و شرایط آزادی مشروط را رعایت خواهد کرد. این تعهدات می‌تواند شامل الزام به حضور در جلسات مشاوره، انجام کارهای خدماتی، منع از سفر به مناطق خاص یا ارتباط با افراد مشخص باشد. آزادی مشروط معمولاً با شرایط نظارتی همراه است. فردی که تحت آزادی مشروط قرار می‌گیرد، ممکن است ملزم به گزارش‌دهی دوره‌ای به مراجع قضایی یا نظارتی باشد. این گزارش‌ها به منظور اطمینان از رفتار فرد و بررسی انطباق او با شرایط آزادی مشروط انجام می‌شوند. همچنین، ممکن است در طول این مدت، نظارت‌هایی مانند استفاده از سامانه‌های الکترونیکی برای پایش مکان فرد به کار گرفته شوند. لغو آزادی مشروط در صورتی که محکوم‌علیه شرایط آزادی مشروط را نقض کند یا مرتکب جرم جدیدی شود، دادگاه می‌تواند تصمیم به لغو آزادی مشروط بگیرد و فرد را برای سپری کردن باقی مانده مدت حبس به زندان بازگرداند.

در یک نشست قضایی برگزار شده در سازمان قضائی نیروهای مسلح استان گلستان به تاریخ ۱۶/۰۵/۱۴۰۲، پرسش این بوده است که اگر فردی در مجازات‌های تعزیری به حبس محکوم شود و بعد از تحمل یک چهارم میزان حبس در مجازات‌های تعزیری از پابند الکترونیکی استفاده نماید (یعنی تحت نظارت سامانه سیستم‌های الکترونیکی قرار گیرد) آیا این فرد می‌تواند با لحاظ مدتی که تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی بوده با جمع آن مدت به علاوه یک چهارم مدت حبس به نحوی که نصف مجازات محسوب شود در مواردی که تحمل نصف مجازات لازم است از نظام آزادی مشروط استفاده نماید یا خیر؟ ضمناً نظام آزادی مشروط به استناد ماده ۵۸ در حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس تحمل یک سوم حبس اعمال آن قانونی است.

نظر ابرازی در این نشست بدین شرح بوده که در محل بحث اگر فردی به حبس تعزیری محکوم شود اگر میزان مجازات آن بیش از ده سال باشد پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت حبس می‌تواند تقاضای آزادی مشروط نماید و متن ماده انصراف به تحمل حبس واقعی دارد و ایامی که فرد تحت نظارت سیستم‌های الکترونیکی بوده و از پابند الکترونیکی استفاده نموده هر چند خود یک تخفیف قانونی است ولی حبس محسوب نمی‌شود و لذا اگر فرد در حبس بیش از ده سال بطور واقعی نیمی از حبس در زندان نبوده و در مجازات‌های کمتر از ده سال یک سوم مدت حبس را تحمل نکرده تقاضای آزادی مشروط نماید، نمی‌تواند از آزادی مشروط استفاده نماید ولو مدت حبس به انضمام ایامی که از پابند الکترونیکی استفاده کرده و تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی بوده به حد نصاب برسد، چون

منظور از تحمل حبس، حبس واقعی است و ایامی که تحت نظارت الکترونیکی بوده حبس واقعی محسوب نمی‌شود بلکه یک ارفاق قانونی بوده نه این که حبس تلقی شود.

لکن اکثر همکاران قضایی بر این عقیده‌اند که در مجازات‌های حبس بیش از ده سال که فرد پس از تحمل نصف حبس می‌تواند از آزادی مشروط استفاده نماید در محل بحث اگر جمع بین تحمل یک چهارم مجازات حبس تعزیری و ایام هم که تحت نظارت سامانه الکترونیکی قرار گرفته به نصف مجازات برسد می‌تواند از آزادی مشروط استفاده نماید، زیرا اعمال مجازات با پابند الکترونیکی قانوناً در حکم حبس محسوب می‌شود. در نهایت نظر هیئت عالی بر این استوار بوده است که هر چند منطوق ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی به تحمل نصف و یک سوم مدت مجازات حبس اشاره دارد که بیانگر واقعی بودن تحمل حبس است ولی تفسیر به نفع متهم می‌تواند اقتضای تایید نظریه اکثریت را داشته باشد. به عبارت دیگر، چون نظام نیمه آزادی، شیوه‌ای از اجرای مجازات حبس است، بنابراین، با تحقق شرایط قانونی و تحمل مدت مذکور در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی، استفاده از نظام آزادی مشروط بلامانع است.

نظر هیئت عالی در نشست قضایی سازمان قضائی نیروهای مسلح استان گلستان مبنی بر اینکه استفاده از ایام تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی می‌تواند برای محاسبه مدت لازم جهت درخواست آزادی مشروط به عنوان بخشی از مجازات تلقی شود، تفسیری مثبت و گامی رو به جلو در جهت تفسیر به نفع متهم و ارتقای رویکردهای اصلاحی و انسانی در نظام کیفری است. این نظر، با توجه به مزایای استفاده از حبس تحت نظارت الکترونیکی، تحلیلی جامع می‌طلبد که به جنبه‌های مختلف این تفسیر بپردازد:

۱- تفسیر به نفع متهم و کرامت انسانی: یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری و حقوق بشر، تفسیر قوانین به نفع متهم است. هیئت عالی با توجه به این اصل، تفسیر مثبتی ارائه کرده که متضمن حفظ کرامت انسانی و حقوق محکومین است (Mir Mohammad Sadeghi, 2024). این تفسیر، با احتساب مدت تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی به عنوان بخشی از مجازات، به محکومان این امکان را می‌دهد که سریع‌تر واجد شرایط آزادی مشروط شوند. با این روش، محکوم می‌تواند به زندگی عادی و اجتماعی خود بازگردد و فرصت بازپروری مؤثرتری داشته باشد.

۲- مزایای حبس تحت نظارت الکترونیکی: حبس تحت نظارت الکترونیکی به عنوان جایگزینی برای حبس سنتی در زندان، مزایای بسیاری دارد. این نوع نظارت اجازه می‌دهد محکومان در محیط خانوادگی و اجتماعی خود باقی بمانند و از تأثیرات منفی روانی و اجتماعی زندان، مانند جدایی از خانواده و هم‌نشینی با مجرمان حرفه‌ای، دوری کنند (Habib-Parvin, 2023). این امر به حفظ پیوندهای اجتماعی فرد کمک می‌کند و به بازپروری بهتر و بازگشت موفق‌تر به جامعه منجر می‌شود. این مزایا نشان می‌دهند که در صورتی که فرد تحت نظارت الکترونیکی قرار گیرد، این مدت باید به عنوان بخشی از محکومیت او محسوب شود.

۳- تطابق با رویکردهای اصلاحی و بازپروری: نظر هیئت عالی که بر اساس تفسیر به نفع متهم ارائه شده است، با اصول و رویکردهای نوین اصلاحی و بازپروری در نظام‌های کیفری پیشرفته هماهنگ است. هدف اصلی مجازات، علاوه بر تنبیه، اصلاح رفتار مجرم و بازگشت او به جامعه است. نظارت الکترونیکی به عنوان شکلی از حبس نیمه‌آزاد، فرد را در محیطی کمتر محدودکننده قرار می‌دهد و او را به رعایت قوانین و تعهدات خود تشویق می‌کند. این نوع حبس، فرد را از آسیب‌های روحی و روانی شدید ناشی از زندان دور نگه می‌دارد و احتمال بازگشت به جرم را کاهش می‌دهد (Saed et al., 2021). در نتیجه، محاسبه ایام تحت نظارت الکترونیکی به عنوان بخشی از مدت حبس، به اهداف اصلاحی و بازپروری نزدیک‌تر است.

۴- تحلیل قانونی و رویکرد تفسیر به نفع متهم: هرچند منطوق ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی به صراحت از «تحمل واقعی حبس» صحبت می‌کند، تفسیر هیئت عالی بر پایه اصل تفسیر به نفع متهم و با در نظر گرفتن شیوه‌های اجرای مجازات مانند نظام نیمه‌آزادی است. این دیدگاه، با پذیرش اینکه نظارت الکترونیکی در چارچوب قانونی خود نوعی از اجرای مجازات حبس است، رویکردی نوآورانه به شمار می‌رود. قانون‌گذار، در بسیاری از موارد، تاکید بر بازپروری و اصلاح رفتار محکومان دارد، و این تفسیر می‌تواند به توسعه این رویکرد کمک کند.

۵- جلوگیری از بازگشت به جرم و کاهش جمعیت زندان‌ها: یکی دیگر از مزایای این تفسیر، کمک به کاهش تراکم زندان‌ها و جلوگیری از مشکلات ناشی از افزایش تعداد زندانیان است. «استفاده از نظارت الکترونیکی می‌تواند جمعیت زندان‌ها را کاهش دهد و به نظام قضایی و کیفری اجازه دهد تا منابع خود را برای مجرمان با خطر بالاتر متمرکز کند. این امر نه تنها به بهبود شرایط زندان‌ها کمک می‌کند، بلکه زمینه را برای اجرای بهتر برنامه‌های بازپروری فراهم می‌آورد» (Roberts, 2023).

۶- مزایای اقتصادی و اجتماعی: از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی، «استفاده از نظارت الکترونیکی به جای زندان سنتی، هزینه‌های بالای نگهداری زندانیان را کاهش می‌دهد و فشار مالی بر سیستم قضایی و دولت را کم می‌کند» (Williams, 2022). همچنین، محکومانی که تحت نظارت الکترونیکی هستند، می‌توانند به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خود ادامه دهند و به خانواده‌های خود کمک کنند. این امر باعث می‌شود تا بار مالی کمتری بر دوش جامعه و خانواده‌ها باشد و تأثیرات منفی اقتصادی ناشی از زندانی شدن کاهش یابد.

لذا نظر هیئت عالی در نشست قضایی سازمان قضائی نیروهای مسلح استان گلستان که استفاده از مدت زمان تحت نظارت الکترونیکی را در محاسبه شرایط آزادی مشروط معتبر می‌داند، گامی مؤثر و مثبت در جهت اصلاح و بهبود نظام کیفری کشور است. این تفسیر با مزایای متعدد نظارت الکترونیکی، از جمله حفظ کرامت انسانی، کاهش تکرار جرم، کاهش تراکم زندان‌ها و مزایای اقتصادی و اجتماعی همراه است. با توجه به اهداف اصلاحی و بازپروری مجازات‌ها و اصل تفسیر به نفع متهم، این رویکرد می‌تواند به بازگشت موفق‌تر محکومان به جامعه کمک کند و نظام قضایی را به سوی عدالت و کارآمدی بیشتر هدایت کند.

نتیجه‌گیری

چالش مهمی که در بسیاری از نظام‌های قضایی، از جمله ایران، در زمینه استفاده از حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیک مطرح است، محدودیت استفاده از این نوع نظارت تنها به افرادی است که بخشی از محکومیت خود را در زندان سپری کرده‌اند. این پژوهش به بررسی مزایا و اهمیت اختصاص حبس تحت نظارت الکترونیکی به محکومین، حتی بدون تجربه حضور اولیه در زندان، پرداخت و نشان داد که این رویکرد می‌تواند به شکل موثری از مشکلات و چالش‌های موجود در سیستم زندانبانی بکاهد. از دیدگاه نظریه برچسب‌زنی، زندان و برچسب «مجرم» می‌تواند به تدریج بر هویت فرد تأثیر منفی بگذارد و موجب تقویت رفتارهای مجرمانه شود. حضور در محیط زندان، حتی برای مدت کوتاه، می‌تواند به فرد این احساس را القا کند که او یک مجرم است، و این هویت جدید ممکن است به تکرار جرم و ناکامی در بازپروری منجر شود. به همین دلیل، استفاده از نظارت الکترونیکی به جای زندان و از همان ابتدای صدور حکم، می‌تواند کمک کند که محکوم از برچسب منفی مجرمانه دوری کند و احتمال بازگشت به جامعه به‌عنوان یک شهروند قانون‌مدار افزایش یابد.

از سوی دیگر، این روش مزایای اقتصادی و اجتماعی بسیاری به همراه دارد. نگهداری از زندانیان در زندان‌ها هزینه‌های سنگینی برای دولت‌ها دارد و باعث فشار بر منابع مالی عمومی می‌شود. حبس تحت نظارت الکترونیکی، با کاهش نیاز به نگهداری فیزیکی و بهره‌گیری از فناوری‌های مدرن، هزینه‌های کمتری در پی دارد و به بهره‌وری اقتصادی کمک می‌کند. این رویکرد همچنین فرصت‌های بیشتری برای فرد محکوم فراهم می‌آورد تا به فعالیت‌های شغلی و اقتصادی خود ادامه دهد و در نتیجه، بار مالی بر خانواده و جامعه نیز کاهش یابد. از نظر اجتماعی نیز، این نوع نظارت می‌تواند به حفظ پیوندهای خانوادگی و جلوگیری از ازهم‌پاشیدگی خانواده‌ها کمک کند. بسیاری از محکومان، به‌ویژه آن‌هایی که برای جرایم سبک محکوم شده‌اند، با ورود به زندان دچار مشکلات روحی و روانی می‌شوند که بازگشت به زندگی عادی را برای آن‌ها دشوار می‌کند. نظارت الکترونیکی به فرد این امکان را می‌دهد که با حفظ تعاملات اجتماعی خود، به بازپروری و اصلاح رفتار بپردازد و در عین حال تحت نظارت قانونی باقی بماند. از منظر حقوقی و قضایی، گسترش استفاده از این نوع حبس می‌تواند به کاهش تراکم زندان‌ها و بهبود شرایط زندانیان کمک کند. این کاهش تراکم، امکان اجرای بهتر برنامه‌های بازپروری برای مجرمان با خطر بالاتر را فراهم می‌کند و به مسئولان زندان اجازه می‌دهد تا بر روی نیازهای ویژه و مدیریت بهتر محیط زندان تمرکز کنند. همچنین، اختصاص نظارت الکترونیکی به محکومان از ابتدای صدور حکم، می‌تواند به اصلاح نظام‌های قضایی و ارتقای عدالت کیفری کمک کند. این رویکرد، با احترام به کرامت انسانی و حق فرد برای حفظ شأن اجتماعی خود، هماهنگ است و می‌تواند باعث افزایش اعتماد عمومی به نظام قضایی شود. استفاده از این روش، به ویژه در مواردی که فرد محکوم از سابقه کیفری جدی برخوردار نیست و جرم ارتكابی او جزو جرایم سبک طبقه‌بندی می‌شود، می‌تواند جایگزین مناسبی برای زندان‌های سنتی باشد. به طور کلی، حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، با توجه به نظریه‌های جرم‌شناسی و تجربه‌های بین‌المللی، راهکاری کارآمد برای کاهش تأثیرات منفی زندان و برجسب‌زنی مجرمانه است. این روش می‌تواند در کنار کاهش هزینه‌های اقتصادی و فشارهای اجتماعی، به حفظ نظم عمومی و کاهش نرخ تکرار جرم کمک کند. از این رو، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران و مسئولان قضایی به اختصاص این نوع حبس به محکومان، بدون نیاز به ورود اولیه به زندان، توجه ویژه‌ای داشته باشند و بسترهای لازم برای اجرای گسترده‌تر این رویکرد در نظام قضایی را فراهم کنند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

In recent years, the application of incarceration under electronic monitoring has gained traction as a modern and reformative alternative to traditional imprisonment. This evolution in criminal justice policy is grounded not only in practical and economic considerations but also in the growing influence of critical criminological theories such as labeling theory. Scholars such as Tannenbaum and Becker have laid the foundations for understanding how criminal identity is socially constructed through institutional responses and societal reactions (Najafi Abrandabadi, 2023; Weld et al., 2018). When the criminal justice system imposes a formal label upon individuals, particularly through

incarceration, it risks reinforcing deviant identities and facilitating deeper entrenchment in criminal subcultures (Prins, 1982). Against this backdrop, electronic monitoring is posited as a mitigating strategy to prevent these detrimental identity transformations. The present study builds on this theoretical groundwork and engages in a legal and criminological analysis of whether convicts can be placed under electronic monitoring from the outset of sentencing—bypassing initial physical incarceration—and whether such a shift could improve the rehabilitative and judicial outcomes.

The conceptual foundation of electronic monitoring as a penal tool encompasses a variety of practices, most notably electronic tagging and location-restricted supervision (Najafi Abrandabadi, 2016). Rooted in legal systems across both civil law and common law jurisdictions, electronic monitoring serves dual purposes—coercive control and rehabilitative supervision (Ashouri, 2019; Salehi et al., 2017). However, Iranian criminal law currently lacks a comprehensive statutory definition and framework for the application of such technologies beyond narrowly defined procedural contexts. Legal scholars in Iran have offered varying operational definitions, describing the practice as a hybrid form of home confinement enforced through technological means such as ankle monitors and tracking devices (Aghayi Jannat-Makan, 2013). While legislated under the 2013 Islamic Penal Code and the 2013 Criminal Procedure Code, its implementation is often limited to individuals already incarcerated, thus reducing the potential for preventative intervention. By bypassing the physical entry into prison, convicts may avoid the stigmatization and social disintegration typically associated with incarceration, thereby preserving their ability to reintegrate into society more successfully.

The theoretical framework for this study relies heavily on the labeling theory, which contends that formal legal labeling, particularly through imprisonment, can exacerbate criminal tendencies by distorting individual identity and reinforcing deviant behavior patterns (Najafi Abrandabadi, 2023; Shamlou & Mohtashami, 2012). Labeling, as both a social and legal process, is particularly damaging when experienced during early interactions with the criminal justice system. The imposition of the “criminal” identity, especially in the context of physical imprisonment, may lead individuals to internalize that identity and adjust their behavior accordingly (Prins, 1982; Weld et al., 2018). Electronic monitoring, by contrast, minimizes the exposure to institutionalized criminal environments and reduces the social labeling effect. Notably, empirical findings support that alternatives to incarceration, such as community-based sanctions and supervised freedom, are more conducive to lowering recidivism rates and improving psychological well-being (Gies et al., 2013; Nellis, 2014). Thus, electronic monitoring should not merely be seen as a punitive tool, but as a method to promote desistance and uphold human dignity in penal responses.

Judicial attitudes in Iran toward this innovation have been evolving. Judicial forums in provinces such as West Azerbaijan and Mazandaran have deliberated on whether Article 62 of the Islamic Penal Code, when interpreted favorably toward the convict, allows for electronic monitoring without prior physical incarceration. A progressive interpretation has emerged that emphasizes the rehabilitative goals of penal sanctions and the need to alleviate prison overcrowding. According to these views, as long as the convict consents, the court has discretionary authority to implement electronic monitoring from the outset, particularly for discretionary ta'zir offenses of degrees five to eight. These interpretations prioritize the goals of criminal justice policy—namely, the reduction of recidivism and preservation of family structure—over formalistic procedural requirements (Di Tella & Schargrotsky, 2013; Rahmanian, 2011). Critics who maintain that incarceration must precede monitoring rely on more restrictive readings of Articles 553 and 554 of the Criminal Procedure Code. Nevertheless, legal reasoning grounded in both textual analysis and criminological theory

increasingly favors the more permissive interpretation, as it better aligns with restorative and human rights-centered penal philosophies.

The operational benefits of applying electronic monitoring as a primary sentence, rather than a secondary stage following partial imprisonment, are multifaceted. From a psychological perspective, individuals who are allowed to remain in their community environment during the execution of their sentence are more likely to maintain social cohesion, avoid the adverse effects of prison culture, and continue productive economic activities (Asgari Niaser et al., 2024; Belur et al., 2020). Furthermore, this model allows for ongoing access to mental health, education, and vocational services—all of which are typically compromised during incarceration (Hucklesby & Holdsworth, 2016). Economically, the cost of supervising an individual through electronic means is substantially lower than the cost of imprisonment, as it eliminates the need for housing, feeding, and securing inmates (Williams, 2022). Consequently, electronic monitoring contributes to the financial sustainability of the penal system and frees up public resources for reinvestment in more intensive correctional programs or rehabilitation initiatives.

Another critical area of inquiry addressed in the study is the extent to which electronically monitored detention should count toward time served for the purpose of eligibility for conditional release or parole. A legal controversy arose regarding whether the duration of electronic monitoring could be aggregated with time already served to satisfy the statutory requirements for parole eligibility, especially under Article 58 of the Islamic Penal Code. Initial legal opinions diverged on this issue, with some asserting that “real” incarceration was a prerequisite, while others maintained that electronic monitoring constitutes a form of custodial control and thus should be legally recognized as such. Ultimately, a consensus emerged in favor of the latter interpretation, invoking the principle of lenity and emphasizing the importance of interpreting penal statutes in favor of the defendant (Habib-Parvin, 2023; Mir Mohammad Sadeghi, 2024). This interpretive approach aligns with international norms and the broader aim of enhancing rehabilitative outcomes by incentivizing lawful behavior during the course of the sentence. It also offers a more humane alternative that maintains legal rigor while expanding the scope of judicial discretion in the execution phase of sentencing.

In conclusion, the findings of this study highlight the substantial benefits of applying incarceration under electronic monitoring from the moment of sentencing, without requiring initial entry into a correctional facility. By mitigating the psychological and social harms associated with imprisonment, reducing public expenditure, preserving human dignity, and aligning with both domestic and international legal standards, this model presents a compelling case for reform. The study advocates for a recalibration of Iran’s judicial policies in favor of proactive and rehabilitative justice, calling upon legislators, judges, and policymakers to institutionalize electronic monitoring as a primary sentencing option for eligible convicts. The integration of this model into broader criminal justice frameworks has the potential to improve systemic efficiency, enhance public trust, and promote the successful reintegration of offenders into society.

References

- Aghayi Jannat-Makan, H. (2013). Electronic Monitoring (Imprisonment): A New Method for Substituting Prison Sentences. In *Encyclopedia of Criminal Sciences (Collection of Articles on Criminal Science Innovations)*. Mizan Publishing.
- Asgari Niaser, M., Mahmoud, H., & Moradi, S. (2024). Electronic Monitoring of Imprisonment in the Law and Judicial Practice of England. *Interdisciplinary Studies in Society, Law, and Politics*, 3(3), 105-119. <https://doi.org/10.61838/kman.isslp.3.3.13>

- Ashouri, M. (2019). *Alternatives to Prison or Intermediate Punishments with the Latest Amendments*. Jahesh Publishing Center.
- Belur, J., Thornton, A., Tompson, L., Manning, M., Sidebottom, A., & Bowers, K. (2020). A systematic review of the effectiveness of the electronic monitoring of offenders. *Journal of Criminal Justice*, 68. <https://doi.org/10.1016/j.jcrimjus.2020.101686>
- Di Tella, R., & Schargrodsy, E. (2013). Criminal recidivism after prison and electronic monitoring. *Journal of Political Economy*, 121(1), 28-73. <https://doi.org/10.1086/669786>
- Finn, M. A., & Muirhead-Steves, S. (2002). The effectiveness of electronic monitoring with violent male parolees. *Justice Quarterly*, 19(2). <https://doi.org/10.1080/07418820200095251>
- Gies, S. V., Gainey, R. R., Cohen, M. I., Healy, E., & Yeide, M. (2013). *Monitoring high-risk sex offenders with GPS technology: An evaluation of the California supervision program*. Office of Justice Programs, National Institute of Justice. <https://doi.org/10.1037/e566812012-001>
- Habib-Parvin, K. (2023). *Electronic Monitoring in Iranian and English Criminal Law*. Mizan Publishing.
- Hucklesby, A., & Holdsworth, E. (2016). Electronic monitoring in England and Wales: Evidence-based or not? *Criminology & Criminal Justice*, 16(1).
- Mir Mohammad Sadeghi, H. (2024). *Technological Criminal Justice and Human Rights*. Mizan Publishing.
- Najafi Abrandabadi, A. H. (2016). *Criminal Science Innovations (Collection of Articles)* (Vol. 2). Mizan Publishing.
- Najafi Abrandabadi, A. H. (2023). *Lecture Notes on Criminal Sociology*. Doctoral Program in Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University, Transcribed by Pouria Mousavi (2023-2024)
- Najafi Tavana, A., & Sohrabi Esmarood, M. (2021). An Introduction to Localizing Alternative Punishments to Imprisonment: Requirements, Challenges, and Solutions. *Rah-e Vekalat Journal*(26).
- Nellis, M. (2014). Surveillance, stigma and spatial constraint: The ethical challenges of electronic monitoring. *European Journal of Probation*, 6(2).
- Prins, H. (1982). *Criminal Behavior: An Introduction to Criminology and the Penal System*. Tavistoc Publications.
- Rahmanian, S. (2011). *A Comparative Study of Electronic Monitoring in Criminal Law and the United States* Master's Thesis, Supervised by Dr. Hassanali Moazen Zadegan, Imam Sadiq University - Faculty of Law
- Roberts, J. V. (2023). *The Virtual Prison: community custody and the evolution of imprisonment*. Cambridge University Press.
- Saed, M. J., Bartel, K. R., & Bartel, A. M. (2021). *Psychology of Criminal Behavior*. Ganj Danesh Publishing.
- Salehi, F., Arefian, G., Mahdavi Sabet, M. A., Mahmoudi Janki, F., & Malek Afzali Ardakani, M. (2017). Examining Community Service in English Law Motivation for Criminal Behavior: Interaction Between Ethics and Criminal Law. *Specialized Scientific Journal of Law and Judicial Sciences*, 2(22).
- Shamlou, B., & Mohtashami, N. (2012). A Comparative Study of Two Theories: Interactionism and Broken Windows, and Their Impact on Criminal Policy. *Quarterly Journal of Criminal Law Research*, 1(2).
- Weld, B., Snipes, G., & Thomas, J. (2018). *Theoretical Criminology (An Overview of Criminology Theories)*. SAMT Publishing.
- Williams, J. (2022). Can Electronic Monitoring Reduce Reoffending? *The Review of Economics and Statistics*, 104(2), 232-245. https://doi.org/10.1162/rest_a_00954